****

[ادامه بررسی حکم نماز ملحون 1](#_Toc487377649)

[مقتضای روایات در حکم عاجز از نماز صحیح 1](#_Toc487377650)

[روایت اول: موثقه سکونی 1](#_Toc487377651)

[روایت دوم: موثقه دوم سکونی 2](#_Toc487377652)

[روایت سوم: موثقه مسعده بن صدقه 2](#_Toc487377653)

[کلام آیت الله زنجانی 3](#_Toc487377654)

[روایت چهارم: روایت نبوی 4](#_Toc487377655)

[روایت پنجم: صحیحه عبد الله بن سنان 4](#_Toc487377656)

[عدم مشروعیت نماز جماعت در نماز طواف 5](#_Toc487377657)

[کلام محقق خویی ره 5](#_Toc487377658)

[حکم لزوم حضور در جماعت برای کسی که مقدار معتد به از حمد را نمی تواند بخواند 6](#_Toc487377659)

[ادله تعویض سوره 7](#_Toc487377660)

**موضوع**: حکم نماز ملحون /نماز طواف /حج، واجبات طواف

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم نماز ملحون

### مقتضای روایات در حکم عاجز از نماز صحیح

#### روایت اول: موثقه سکونی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: تَلْبِيَةُ الْأَخْرَسِ وَ تَشَهُّدُهُ وَ قِرَاءَتُهُ الْقُرْآنَ فِي الصَّلَاةِ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَ إِشَارَتُهُ بِإِصْبَعِهِ.[[1]](#footnote-1)

وقتی اخرس به اشاره اکتفاء می کند و لازم نیست در جماعت شرکت کند، طبعا کسی که اخرس نیست و در تلفظ برخی کلمات مشکل دارد، محتمل نیست که بر او شرکت در جماعت لازم باشد.

ان قلت: کر و لال مادرزاد، هیچ گاه الفاظ را نشنیده تا بخواهد اداء تلفظ آن ها را در بیاورد و تحریک لسان و اشاره به انگشت کند.

قلت: نکر و لال نگاه به لب مردم می کند که چگونه تکان می خورد و بعد چه کاری بعد از این لفظ انجام می گیرد و این گونه یاد می گیرد.

#### روایت دوم: موثقه دوم سکونی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعُجْمَتِهِ فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّتِهِ.[[2]](#footnote-2)

#### روایت سوم: موثقه مسعده بن صدقه

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّكَ قَدْ تَرَى مِنَ الْمُحَرَّمِ مِنَ الْعَجَمِ- لَا يُرَادُ مِنْهُ مَا يُرَادُ مِنَ الْعَالِمِ الْفَصِيحِ وَ كَذَلِكَ الْأَخْرَسُ فِي الْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ وَ التَّشَهُّدِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَهَذَا بِمَنْزِلَةِ الْعَجَمِ وَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَادُ مِنْهُ مَا يُرَادُ مِنَ الْعَاقِلِ الْمُتَكَلِّمِ الْفَصِيح‏.[[3]](#footnote-3)

سند روایت

هارون بن مسلم که از اجلاء است، از مسعده اکثار دارد و از این جهت ما کشف وثاقت وی را می کنیم، زیرا هارون بن مسلم کسی نبوده که متهم به نقل کثیر از ضعفاء باشد،

البته آقای زنجانی این شخص را همان مسعدة بن زیاد می داند و او هم که توثیق دارد، اما ما به این نتیجه نرسیده ایم و شواهدی بر خلاف آن داریم، عناوینی که برای این دو آمده، مختلف است، علاوه بر این که شیخ در رجال این دو را در کنار هم ذکر کرده است و این علامت تعدد این ها می باشد.

##### کلام آیت الله زنجانی

آقای زنجانی گفته اند شاید محرم باشد و نه محرّم، یعنی کسی که می خواهد محرم شود، اگر عجمی باشد و تلبیه او عربی نباشد، اشکالی ندارد و بر او سخت گرفته نمی شود و این که صاحب حدائق گفته این تعبیر محرّم است و چنین معنا کرده که محرّم یعنی چیزی که نرم نیست، تازیانه ای که نرم نیست را سوط محرّم می گویند و چرمی که نرم نیست و دباغی نشده، جلد محرّم است و شتری که ورزش داده نشده که چابک شود، ناقة محرّمة است، و رجل محرّم هم کسی است که زبانش نرم و رام در اداء کلمات نیست، این کلام صاحب حدائق نادرست است و اگر چنین می بود، عرفی نیست که به شخص بگویند محرّم، بلکه باید بگویند لسانه محرّم.

بعد ایشان فرموده: احتمال قوی تر این است که محرّم باشد، اما نه به معنای صاحب حدائق، بلکه المحرّم من العجم یعنی عجمی که لم یخالط العرب، یعنی غیر عرب ناواردی که زبانش آمیخته به زبان عربی نیست و لذا در اداء کلمات عربی دچار مشکل است، زیرا در لغت آمده أَعرابيّ مُحَرَّمٌ أَي فصيح لم يخالط الحَضَرَ.[[4]](#footnote-4)

به نظر ما نیز فرمایش ایشان متین است و محرّم وصف شخص نیست، بلکه وصف زبان است، اما این که اولا فرموده شاید محرم مراد باشد و نه محرّم، نادرست است، و گرنه به جای عاقل الفصیح، محرم الفصیح گفته می شد و تکرار می شد و بعد اخرس گفته نمی شد.

محقق خوئی فرموده: مقصود روایت این است که قرائت ناصحیح از عاجز پذیرفته است.

#### روایت چهارم: روایت نبوی

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فَهْدٍ الْحِلِّيُّ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي، عَنْهُمْ ع: إِنَّ سِينَ بِلَالٍ عِنْدَ اللَّهِ شِين.[[5]](#footnote-5)‏

البته این روایت مشکل سندی دارد، ولی از جهت دلالی تام است.

#### روایت پنجم: صحیحه عبد الله بن سنان

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ- لَا يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ أَجْزَأَهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَ يُسَبِّحَ وَ يُصَلِّيَ.[[6]](#footnote-6)

معنای روایت این است کسی که اصلا متمکن از قرائت نیست، لازم نیست در نماز جماعت شرکت کند و تسبیح برای او کافی است، و عرفی نیست که به متمکن از قرائت ملحونه حکم به وجوب شرکت در نماز جماعت کنند.

و اصلا نیاز به روایت نیست، در هیچ روایتی نیامده که عاجز از قرائت صحیح باید نائب بگیرد و یا در جماعت شرکت کند و اگر واجب می بود، معلوم می شد، بعد از این که عاجز از قرائت صحیح فراوان بوده است.

این خلاصه فرمایشات محقق خوئی بود.

#### عدم مشروعیت نماز جماعت در نماز طواف

به نظر ما اگر کسی مقدار معتد به از سوره حمد را می تواند بخواند، نیازی به حضور در نماز جماعت ندارد و اصلا در نماز طواف به نظر ما نماز جماعت مشروع نیست،

##### کلام محقق خویی ره

 محقق خوئی فرمود اصل در نمازهای فریضه، مشروعیت جماعت است حتی در نماز طواف، فقط کسانی که می توانند قرائت صحیح داشته باشند، معهود نبوده که در نماز طواف، جماعت بر پا کنند، اما عدم مشروعیت نماز جماعت در حق غیر متمکن از قرائت صحیحه، دلیل ندارد، بلکه اطلاقات می گوید نماز جماعت در حق او مشروع است.

###### مناقشه در کلام محقق خویی ره

اما این مطلب عجیب است، زیرا دلیل بر این که در همه فرائض جماعت مشروع است، این صحیحه است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالا قُلْنَا لَهُ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ فَرِيضَةٌ هِيَ فَقَالَ الصَّلَوَاتُ فَرِيضَةٌ وَ لَيْسَ الِاجْتِمَاعُ بِمَفْرُوضٍ فِي الصَّلَوَاتِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.[[7]](#footnote-7)

ما قبول داریم که این روایت اطلاق دارد و می گوید جماعت در نمازها سنت است و از آن نوافل خارج شده، اما خود محقق خوئی فرموده در نماز طواف، جماعت معهود نبوده و ترغیب نشده ایم، پس چگونه این صحیحه می گوید سنت است، پس معلوم می شود که اصلا نماز جماعت در نماز طواف سنت نیست و با توجه به این مطلب اصلا اطلاق ندارد، وقتی در نماز طواف ترغیب به جماعت نشده ایم، معنا ندارد که بگوییم این روایت شامل نماز طواف هم می شود و فقط مخصص منفصل گفته اگر متمکن از قرائت صحیحه هستی، حضور در نماز جماعت مشروع نیست، و گرنه مشروع است به تمسک به اطلاق این صحیحه.

لذا نماز طواف مشمول این صحیحه نیست.

#### حکم لزوم حضور در جماعت برای کسی که مقدار معتد به از حمد را نمی تواند بخواند

اما اگر متمکن از قرائت مقدار معتد به از سوره حمد نباشد، شهید اول و جماعتی گفته اند به جای آن مقداری که بلد نیست، تسبیح بگوید و اگر اصلا سوره حمد را بلد نیست، به مقدار سوره حمد تسبیح بگوید

شهید اول اضافه کرده که باید دید این شخصی که مقداری معتد به از سوره حمد را بلند نیست، آیا از دیگر سور چیزی بلد است یا نه؟ اگر بلد است باید از آن سور بخواند و اگر بلد نبود، آن گاه نوبت به تسبیح می رسد.

برخی گفته اند نظر مشهور نیز همین است و آیت الله سیستانی هم احتیاط واجب داده اند که اگر مقداری معتد به از سوره حمد بلد نیست، باید علاوه بر قرائت همان مقدار از سوره حمد، مقداری از سور دیگر نیز بخواند و اگر نمی تواند، تسبیح بگوید.

مرحوم امام و برخی مراجع فعلی مثل آیت الله زنجانی گفته اند همان قرائت ملحونه را بخواند و سخن از تعویض به دیگر سور و یا تسبیح نزده اند.

##### ادله تعویض سوره

###### دلیل اول: آیه شریفه

دلیل بر تعویض به دیگر آیات سور و بعد از آن تسبیح، یکی آیه (فاقروؤا ما تیسر من القرآن)[[8]](#footnote-8) است که از آن تعدد مطلوب استفاده می شود به این تقریب که اگر قرائت سوره حمد در نماز ممکن نبود، اصل قرآن خوانده شود.

نقد دلیل اول

جواب این دلیل این است که اصلا معلوم نیست این آیه درباره نماز باشد و شاید بیان مطلوبیت قرائت قرآن به عنوان مستحب نفسی بکند.

###### دلیل دوم: روایت فضل بن شاذان

دلیل بعدی روایت است:

 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: أُمِرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُوراً مُضَيَّعاً وَ لِيَكُونَ مَحْفُوظاً مَدْرُوساً فَلَا يَضْمَحِلَّ وَ لَا يُجْهَلَ وَإِنَّمَا بُدِئَ بِالْحَمْدِ دُونَ سَائِرِ السُّوَرِ لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْ‏ءٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَ الْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ مِنْ جَوَامِعِ الْخَيْرِ وَ الْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ- وَ ذَلِكَ أَنَّ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ- إِنَّمَا هُوَ أَدَاءٌ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِالْحَدِيثَ.[[9]](#footnote-9)

ظاهر این روایت این است که ملاک خواندن سوره حمد در قران این است که قران فراموش نشود و دیگر این که جامع جوامع خیر است، پس اگر سوره حمد ممکن نباشد، قران باید خوانده شود تا جهت اول که عدم فراموشی قرآن بود، محفوظ بماند.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص136، أبواب ، باب59، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/136/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AE%D8%B1%D8%B3%20%D9%81%DB%8C%20%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A1%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص221، أبواب ، باب30، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/221/%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A1%D9%87%20%D8%A8%D8%A7%D9%84%D9%84%D8%AD%D9%86) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص136، أبواب ، باب59، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/136/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AE%D8%B1%D8%B3%20%D9%81%DB%8C%20%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A1%D9%87) [↑](#footnote-ref-3)
4. [لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، ج12، ص119.](http://lib.eshia.ir/20007/12/119/%D8%AD%D8%B1%D9%85) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج4، ص278.](http://lib.eshia.ir/11015/4/278/%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A1%D9%87%20%D8%A8%D8%A7%D9%84%D9%84%D8%AD%D9%86) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص42، أبواب ، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/42/%D9%85%D9%86%20%D9%84%D9%85%20%DB%8C%D8%AD%D8%B3%D9%86%20%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D9%87) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص285، أبواب ، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/285/%D8%AC%D9%8E%D9%85%D9%8E%D8%A7%D8%B9%D9%8E%D8%A9%D9%8D%20%D9%81%D9%8E%D8%B1%D9%90%D9%8A%D8%B6%D9%8E%D8%A9%D9%8C%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. [سوره مزمل، آيه 20.](http://lib.eshia.ir/17001/1/575) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص38، أبواب باب وجوب قراءه الکتاب فی الثنائیه و فی الاولتین من غیرها، باب1، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/38/%D8%A8%D9%90%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%82%D9%90%D8%B1%D9%8E%D8%A7%D8%A1%D9%8E%D8%A9%D9%90%20%D9%81%D9%90%D9%8A%20%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%91%D9%8E%D9%84%D9%8E%D8%A7%D8%A9%D9%90%20) [↑](#footnote-ref-9)